



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۹/۱۲



رفعت حسینی

اوباشی های چند پشتون افغانستان

ناگزیرم اندر باب شخصیت های رذیل و صفات [حمیده و جلبلهء!] تعدادی از بی مایگان پشتون تبار در خاکستان افغانستان، ولو فشرده و اندک، یاددهانی کنم و تذکردهم: **یکم.**

در عفوآن سالیان جوانی!، برخی پشتون های «بی حیثیت انسانی - بی سواد» در خاکزار افغانستان، {تظاهر} به مارکسیست و لیننیست و سوسیالیست و انقلابی دوران ساز و فلسفه علمی (مارکسیزم) اندیش نمودند و به نام و نوای رسیدند.

دوم.

پس از مرگ فجیع حزب خلق، و سلطنت فساد و فاسدان مجاهدین اسلام، این شمار لندغر های پشتون، آغاز نمودند به استنجا و وضو و نماز خواندن به «آیین خجسته» اسلام {غرای} ملا گلبدین [[بابا]] و حج رفتن و لقب ننگین حاجی را کمایی کردن و در کنار کعبه عکس گرفتن و آن فوتو ها را برای احمقان یعنی خلق الله چاپ نمودن. آدم مشهور درین مورد [رفیق انقلابی] شهروز تنی می باشد.

سوم.

تعداد زیاد خلقی های پشتون تبار که در وقت چهار یار کبار حزب آدمکش خلق، وزیر و سفیر و خادیس و اگسایست و کامیست بودند و در کشتار بیگانه نقش فعال و یا غیر مستقیم داشتند، حالا در کشورهای امپریالیستی و سرمایه دار، در حالت بهشتی و دلخواه <مفت خوری: پناهندگی > خود را مسکن گزین ساخته اند.

خود و همسران و کودکان شان مفت می خورند و مفت می پوشند و مفت از طبابت مدرن استفاده می نمایند و سالانه به غرض دیدن اقارب به خاکستان افغانستان و هم حج و ترکیه و هند می روند.

چارم.

تعدادی ازین رذیلان پشتون در حالیکه تابعیت رسمی کشوری دیگر را حاصل نموده اند، در افغانستان حزب سیاسی! جور و تاسیس نموده و سالانه چندین بار به افغانستان سفر نموده در جلسات حزبی حزب خود و در مهمانی های برای سبزی پلو و بولانی و مرغ چلوهای تیز و تند شرکت می نمایند.

و در آبادانی رذالت در لوی قندهار سهم تاریخی و انسانی خود را اداء می نمایند.

//